



سه شنبه 24 مهر 1397 - 6 صفر 1440 - 16 اکتبر 2018

آغاز اشغال خرمشهر توسط قوای متجاوز بعثی عراق (1359 ش)

آغاز اشغال خرمشهر توسط قوای متجاوز بعثی عراق (1359 ش)

بعد از ظهر روز دوشنبه 31 شهریور ماه 1359، ناگهان بارانی از آتش بر خرمشهر باریدن گرفت و شهر را غرق در آتش و دود ساخت. برای اغلب مردم بروز چنین وضعی قابل تصور نبود. در واقع پس از حملات هوایی عراق بر فرودگاههای ایران در بعد از ظهر روز 59/6/31، یگانهای زمینی عراق ماموریت خود را شروع کردند. دشمن با شناسایی قبلی از میزان توان و نیروهای مستقر در پاسگاه ها و مرز و اطلاع از نقاط ضعف خودی، اقدام به هجوم کرد و قبل از حرکت، اجرای آتش روی پاسگاه های مرزی و جاده های اصلی را تشدید نمود و علاوه بر اجرای آتش توپخانه، تانک ها و خمپاره اندازها، جاده خرمشهر- اهواز، پاسگاه کیلومتر 25 و پاسگاه شلمچه را زیر بمباران هوایی خود گرفت. عراق ابتدا سعی کرد عقبه اصلی خرمشهر یعنی جاده خرمشهر- اهواز را تهدید کند و امکان مقاومت نیروهای مستقر در مرز و پاسگاه های مرزی را خنثی سازد. لازم به ذکر است که مدافعین شهر برای مقاومت با دشواریهای بسیار مواجه بودند. به نیروهای داخل شهر نه تنها اضافه نمی شد، بلکه با شهادت و مجروح شدن نیروهای موجود، هر لحظه از تعداد آنها کاسته می شد. در این وضعیت، هرچند ادامه مقاومت بسیار دشوار بود اما ترک شهر برای حماسه آفرینانش دشوارتر به نظر می رسید، به همین خاطر مقاومت قدم به قدم سلحشوران مسلمان ادامه یافت تا روز 24 مهرماه که خرمشهر، شهر خون شد و «خونین شهر» نام گرفت. آغاز هفته پیوند اولیا و مربیان

خانه و مدرسه زمانی می تواند رسالت آموزشی و تربیتی خاص خود را به نحو مطلوب انجام دهند که هر یک شناخت تربیتی کافی داشته باشند و نقش تربیتی خاص خود را با بصیرت انجام دهند. در این راستا انجمن اولیا و مربیان، هیأتی منتخب از پدران و مادران، دانش آموزان و مربیان مدرسه است که با هدف همکاری در جهت پیشبرد امور آموزش و پرورش دانش آموزان تشکیل می شود. این انجمن، پیشنهادها و طرح های مفید را به مدیر و مسئولان مدرسه عرضه می کند و در اداره بهتر امور، یار و یاور صمیمی مدیران محسوب می گردد. انجمن اولیا و مربیان، مظهر همکاری خانه و مدرسه در امر تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان است. در هفته پیوند اولیا و مربیان که از تاریخ 24 تا 30 مهرماه هر سال برگزار می گردد، پدران و مادران به مدارس دعوت شده و درباره مسائل تربیتی بحث و تبادل نظر نموده و نمایندگان خود را در انجمن برای یک سال برمیگزینند. مشاوره و برنامه ریزی به منظور تحقق اهداف انجمن؛ همکاری و همفکری با مدیر و مربیان مدرسه در مورد برنامه های اوقات فراغت دانش آموزان و دعوت از اولیای علاقمند به منظور بهره مندی از خدمات و یاری های آنان برای تهیه و تدارک و تکمیل امکانات آموزشی - پرورشی مدرسه از جمله مهم ترین وظایف انجمن اولیا و مربیان می باشد. قتل "میرزا آقاخان کرمانی" از همکاران سیدجمال الدین اسدآبادی (1314 ق)

میرزا عبدالحسین خان معروف به میرزا آقاخان کرمانی فرزند میرزا عبدالرحیم بردسیری در سال 1270 ق در کرمان متولد شد. در ابتدا علوم ریاضی و طبیعی و حکمت الهی را فرا گرفت سپس از کرمان به اصفهان رفت و پس از مدتی راهی تهران شد. از آنجا به استانبول عزیمت کرد و در روزنامه ی اختر به خدمت مشغول شد. میرزا در آن جا با سیدجمال الدین اسدآبادی همکاری می کرد. او به جرم شرکت داشتن در شورش آرامنه مجبور به ترك استانبول شد و در سال 1314 به امر محمد علی میرزا به قتل رسید. از تالیفات او: خطابه ها و منشآت که به صورت رمان و اشعار می باشد، تاریخ نثری موسوم به آینه ی سیگندری و تاریخ نظمی موسوم به نامه ی باستان. میرزا آقاخان کرمانی اعتقاد به اتحاد دول اسلامی داشت و اجرای قانون اسلامی را خواهان بود. وی عقیده داشت که فقط به وسیله ی قوانین اسلامی می توان ریشه ی استبداد را از بیخ و بن درآورد و در زایل کردن رسوم ظالمانه ی شاهنشاهی به پیش رفت. تولد "فردریک نیچه" فیلسوف معروف آلمانی و صاحب نظریه مرد برتر (1844م)

فردریک ویلهلم نیچه، فیلسوف و نظریه پرداز آلمانی در 16 اکتبر 1844م در لایپزیک آلمان به دنیا آمد. وی از 4 سالگی خواندن و نوشتن را فرا گرفت و پس از طی دروس متوسطه، در دانشگاه بون و لایپزیگ تحصیل کرد. نیچه مردی فوق العاده حساس بود و تا حدی فراوان، خودستایی می کرد. و به عنوان نمونه می گفت: زمانی که در مورد افلاطون، پاسکال و گوته صحبت می کنم، حس می کنم خونشان در رگ های من جریان دارد. خودش آدمی ضعیف و ناتوان بود، از این رو، قدرت وحشیانه را به صورت دینی درآورد. تمام عمرش از سر درد و چشم درد رنج می برد، از این رو دنیا را در روشنی تحریف کننده جسم و روحی ناتوان می دید. شاعر بزرگی بود که کارش به دیوانگی کشیده بود و با خدا سر جنگ داشت که چرا انسان را ضعیف و ناتوان آفریده است. نیچه همه ادیان جهان را نفی و رد کرد و اصول اخلاقی دنیای قدیم را با آوردن اندیشه ابرمرد، محکوم ساخت. ابرمرد در تفکرات

روز جهانی غذا توسط کشورهای عضو فائو در بیستمین کنفرانس این سازمان در نوامبر سال 1979 که در واقع روز تاسیس فائو است نام گذاری شد و همه ساله مراسمی در بیش از 150 کشور جهان برای بزرگداشت آن برگزار می شود. در این روز، سازمان های بین المللی، به انگیزه برقراری روابط در زمینه کشاورزی و زمینه سازی برای جلوگیری از فقر و گرسنگی و نابودی محیط زیست، تلاش می کنند. استفاده از تجربیات، نحوه تغذیه، انتقال فن آوری از کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه، موجب رونق و پیشرفت در صنعت مواد غذایی در ملل جهان سوم می شود. روز جهانی غذا، تلنگری برای بیداری وجدان های به خواب رفته و روز همدردی با گرسنگانی است که از ابتدایی ترین حق زندگی، یعنی غذا محرومند و در این محرومیت، دستان بی توانشان از دامان زندگی کوتاه می شود. روز جهانی غذا را با مصرف درست غذا و جلوگیری از اسراف پاس داریم و هنگام دور ریختن غذا به فکر گرسنگانی که این غذا می

توانست آنها را از مرگ نجات دهد، باشیم. نیچه، غایت وجود عنوان شده و ترتیب زندگانی و اصول اخلاقی را در مسیری عنوان می‏ کرد که مرد برتر، ظهور کند. وی بر این عقیده بود که تقدس و شفقت با روح مهاجم مرد برتر ناسازگار است و می‏ گفت برای ایجاد يك مرد برتر باید میلیون‏ها نفر از مردم پوشالی و ناتوان را نابود کرد. این مرد برتر، همان بود که نیچه خود می‏خواست آن‏چنان باشد، زیرا خود نیچه یکی از آن آدم‏های پوشالی و ناتوان بود. ابرمرد در فلسفه نیچه، زاده اراده انسان و بالاتر از همه ارزش‏ها و خوب و بدهاست و هیچ‏گونه محدودیت اخلاقی ندارد. تنها اصول اخلاقی او، میل به قدرت است. نیچه با تبیین نگاه انسان به میمون به عنوان چهره‏ای مسخره و نگران کننده، معتقد بود انسان نیز از دیدگاه آبرانسان، این چنین است. یکی دیگر از مفاهیمی که در فلسفه نیچه، مورد توجه قرار گرفته است، میل به قدرت می‏باشد. انگیزه محوری بشر از دیدگاه نیچه میل به قدرت بوده و معتقد است که اینگزه‏های بنیادینی که تمامی رفتارهای ما را باعث می‏شود، همگی از این منبع تغذیه می‏شوند. نیچه در کلامی عمیق ولی وحشتناک می‏گوید: اگرچه طی قرون متمادی میل به قدرت صورت‏های مختلف یافته اما سرچشمه آن هنوز آتش‏فشان است. به نظر نیچه آنچه را روزی برای خدا انجام می‏دادیم امروز برای مادیات و پول انجام می‏دهیم و این همان چیزی است که بالاترین حس قدرت را در ما به وجود می‏آورد. او با خدا و مذهب دشمن بود و نسبت به مسیح(ع) ابراز تنفر می‏کرد. او مفاهیم ابدی و آن سویی جهان را ساخته و پرداخته مغز بشر و مفاهیمی پوچ و واهی می‏دانست و علاوه بر پشت پا زدن به ارزش‏های اخلاقی معمول، دو نوع اخلاق زیر دستان و زبر دستان را به تصویر می‏کشید. نیچه، هوش و عقل و شعور را اصل و بنیاد نمی‏دانست؛ آن‏چه در نظر او اصیل است، اراده و غریزه است و هوش و عقل، خادم اراده هستند و هوش و شعور و عقل برای خدمت به حیات و زندگی انسان است. او معتقد بود که اخلاق معنا ندارد و هر کس نوعی اخلاقیات را برای نجات و پیروزی خود در این دنیا در پیش می‏گیرد. در هر حال، همه، خود را می‏پرستند و این يك قانون طبیعی است. بنابراین بشر باید پرستش خویش را به اوج خود رساند. نیچه دارای آثار مهم و متعددی می‏باشد که افکار و حکم، مسافر و سایه‏اش، مردم این بود و اراده معطوف به قدرت، از آن جمله است. وی هم‏چنین در کتاب چنین گفت زرتشت، اغراض و عقاید خود را به صورت افسانه‏ای آورده که قهرمانش زرتشت می‏باشد. نیچه می‏گفت، زرتشت نخستین کسی بود که اخلاق را آفرید و هم خود اوست که باید از این کار استغفار کند. نیچه در افکار فلاسفه و صاحب نظران قرن بیستم تاثیر و نفوذ فراوانی نهاد و میکروب مرگبار فلسفه وی، به بسیاری از به اصطلاح ابرمردهای کذایی قرن بیستم سرایت کرد به طوری که بسیاری از دیکتاتورهای این قرن، از پیروان افکار نیچه‏اند. ده سال آخر عمر نیچه به جنون و عدم تعادل روحی سپری شد تا این‏که در 24 اوت سال 1900 میلادی در 56 سالگی درگذشت.